

عربی زبان قرآن

تألیف

شیخ صالح بن عبدالله الدرویش

قاضی سابق در دادگاه تجدیدنظر شهر مکه مکرمه

مترجم

عبدالرحمن فاتح

آنچه در این رساله مورد بحث قرار خواهد گرفت:

مبحث اول: جایگاه زبان عربی

مبحث دوم: رابطه‌ی تنگاتنگ میان زبان عربی و قرآن کریم.

مشخصات کتاب:

❖ نام کتاب:	عربی زبان قرآن
❖ تألیف:	شیخ صالح بن عبدالله الدریش
❖ مترجم:	عبدالرحمن فاتح
❖ ناشر:	انتشارات نداء
❖ نوبت چاپ:	اول ۱۴۰۳ ه.ش - مطابق ۱۴۴۶ ه.ق



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- ۱..... پیشگفتار مؤلف
- ۳..... فریاد (باصدای بلند)
- ۴..... پیش درآمد توجه عرب‌ها به زبان عربی در زمان جاهلیت
- ۶..... **مبحث اول الله متعال زبان عربی را بزرگ می‌دارد**
- ۹..... ارزش و اهمیت فراگیری و آموزش زبان عربی
- ۱۰..... **مبحث دوم رابطه قرآن کریم با زبان عربی و دوری از زبان غیر عربی ...**
- ۱۳..... فلسفه و حکمت نزول قرآن کریم به زبان عربی
- ۱۵..... وضاحت و روشنی زبان قرآن کریم
- ۱۶..... آسانی قرآن کریم و زبان عربی برای حفظ و فهمیدن
- ۱۹..... نکته و فایده‌ی مهم
- ۲۰..... یاری گرفتن از زبان عربی برای تدبر در قرآن کریم
- ۲۳..... بلاغت قرآن کریم یکی از جنبه‌های اعجاز آن است
- ۲۵..... اهمیت یادگیری زبان عربی در فهم قرآن و استدلال به آن

- ۲۸.....خطر انحراف و کژی در فهم زبان قرآن بسیار جدی است
- ۳۲.....اهمیت فهم دلالت‌های الفاظ و سیاق آیات در قرآن کریم
- ۳۴.....سخن پایانی

پیشگفتار مؤلف

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله و صحبه أجمعين.

اما بعد!

دوستان گرانقدر!

سخننام را بسیار مختصر، در چند کلمه و صفحات اندکی که در دست

دارید، با پرسشی اساسی و مهم آغاز می‌نمایم:

آیا کسانی که امروزه با زبان عربی معاصر حرف می‌زنند، بر اساس زبان

(فصیح) قرآن سخن می‌گویند؟

پاسخ: خیر! بلکه کلمات و لغات مختلفی در محاورات روزمره‌ی مردم

وارد شده است که جزئی از زبان عربی نیست. و این مساله، همه روزه در

حال گسترش است، به‌گونه‌ی که «جوانان با آن بزرگ و پیران با آن کهنسال

شده‌اند» و در نتیجه ترکیب جملات آن‌ها به‌طور قابل توجهی از واژه‌های

عربی و غیر عربی شکل گرفته است، به‌طوری که در یک کشور، فهم آن بین

مناطق مختلف دشوار شده است. به همین دلیل، میان کسانی که به زبان

عربی سخن می‌گویند، تفاوت زیادی در درک معانی قرآن وجود دارد. کسی

که اسلام آورده و زبان عربی فصیح را به‌طور کامل آموخته است، نسبت به

عموم کسانی که به زبان عربی محاوره‌ای صحبت می‌کنند، راحت‌تر می‌تواند

معانی قرآن را بفهمد. با افزایش وابستگی و تقلید از غرب، تأثیر واژه‌های غیر عربی حتی در مناطقی که به استعمار نرسیده‌اند، روز به روز در حال افزایش است. (الله یاری‌گر است).



فریاد (باصدای بلند)

آنچه در این چند ورق می‌خوانید، فریادی است متوجه دوستداران قرآن و کسانی که به زبان قرآن اهمیت داده و الله را سپاسگزاری می‌کنند که به فهم زبان فصیح، موفق شده و در آن، تخصص پیدا کرده‌اند. بر آن‌ها واجب است که از الله ترسیده و نسبت به این موضوع حساسیت بیشتری داشته باشند، قبل از آنکه اوضاع پیچیده‌تر شود. باید زبان قرآن را ارج و احترام نهند و به صحبت کردن با آن توجه کرده و به فرزندان و نسل‌های بعدی آموزش دهند تا آن را به درستی بیاموزند و با آن صحبت کنند، زیرا این زبان عربی فصیح است و قطعاً در اوج فصاحت و بلاغت می‌باشد.

ای بارالها! ما را از دوستداران زبان قرآن و از کسانی قرار بده که به این زبان سخن می‌گویند، تا آن را ارج نهیم و به سوی آن دعوت نموده و به قرآن عمل کنیم. بارالها! آنچه را فراموش کرده‌ایم به ما یادآور شو و آنچه نمی‌دانیم به ما بیاموز و توفیق تلاوت قرآن کریم را در شب‌ها و روزها به شیوه‌ای که تو را خشنود و راضی کند، به ما عطا کن. ای الله! ما را با قرآن کریم، مفید و بلندمرتبه گردان و آن را بهار دل‌ها، نور سینه‌ها، رفع کننده غم‌ها و برطرف کننده نگرانی‌هایمان قرار داده و آن را راهنمای ما به سوی رضای خودت بگردان، ای پروردگار جهانیان.



پیش درآمد

توجه عرب‌ها به زبان عربی در زمان جاهلیت

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الزخرف: ۳]
ترجمه: «ما قرآن را به زبان عربی فراهم آورده‌ایم تا شما (بتوانید پی به اعجاز آن ببرید و معانی و مفاهیم آن را) درک کنید».

هر مسلمانی به اسلام، قرآن و پیامبرش محمد ﷺ افتخار کرده و معتقد است که پیامبرش ﷺ عربی و از قبیله‌ی قریش است. این موضوع، مورد اتفاق همگان است و هیچ‌کس از دشمنان پیامبر ﷺ در این مسئله تردید نکرده است؛ چه برسد به دوستان و پیروانش.

پیامبر ما محمد ﷺ در زمانی مبعوث شدند که عرب‌ها در اوج توجه به زبان خود بودند؛ به طوری که اشعار و قصاید شعری را بر دیوارهای کعبه می‌آویختند و اشعار و قصاید در بازارها و جشنواره‌ها، خوانده می‌شد. همچنین هیئت‌های داوری تشکیل می‌شدند تا بهترین قصاید را انتخاب کنند و عناوین به بهترین شاعران اهداء گردیده و این پیروزی با نوشتن قصایدشان بر پوست‌ها و سپس آویختن آن‌ها بر کعبه تجلیل می‌شد.

الله ﷻ این قرآن را به صورت آیاتی روشن نازل کرد؛ از جنس همان زبانی که عرب‌ها به آن توجه داشتند و به آن افتخار می‌کردند؛ و حتی در به نمایش گذاشتن فصاحت و بلاغت آن، با یکدیگر رقابت می‌کردند. الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [یوسف: ۲] ترجمه: «ما آن را (به صورت) کتاب خواندنی (و به زبان) عربی فرو فرستادیم تا اینکه شما (آن را) بفهمید (و آنچه را در آن است به دیگران برسانید)».

و نیز فرموده است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الزخرف: ۳] ترجمه: «ما قرآن را به زبان عربی فراهم آورده‌ایم تا شما (بتوانید پی به اعجاز آن ببرید و معانی و مفاهیم آن را) درک کنید».

واژه «لعلّ» در زبان عربی به معنای امیدواری است، اما وقتی در قرآن کریم می‌آید، به معنای اثبات، شکل‌گیری و انجام پذیرفتن است.

نزول قرآن کریم، به زبان عربی صورت گرفت تا مردم به درستی درک کنند که الله متعال از آنان چه می‌خواهد و این نشان از فضل و برتری این زبان دارد. به همین دلیل، میان متخصصین و اهل دانش بحث‌هایی صورت گرفته است که آیا این زبان، زبان اهل بهشت است؟ آیا اولین زبانی است که آدم عليه السلام آموخت؟ و آیا این همان نام‌هایی است که الله ﷻ به آدم عليه السلام آموخت؟ ما در اینجا قصد بحث درباره این موضوعات را نداریم، بلکه هدف ما در این مختصر، بررسی اهمیت زبان قرآن و سنت است.

از الله متعال می‌خواهم که من و شما را به راه راست هدایت نموده و فهم زبان عربی را که همانا زبان قرآن و سنت است، نصیب ما نماید.



مبحث اول

الله متعال زبان عربی را بزرگ می‌دارد

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که اهمیّت، مقام و منزلت والای آن را نمایان می‌سازد، الله می‌فرماید: ﴿وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۲] ترجمه: «پیش از قرآن، کتاب موسی (تورات) پیشوا و رحمت بوده و (هم اینک) این (قرآن) کتاب (دین و شریعت) است که تصدیق کننده (تورات و سایر کتاب‌های آسمانی) و به زبان عربی است تا وسیله‌ی بیم‌دادن ستمگران و مژده دادن نیکوکاران باشد».

آیا در آیه‌ی فوق، ضمیر (ه) در جمله‌ی «وَمِنْ قَبْلِهِ» به کلمه «شاهد» مذکور در آیه‌ی قبلی اشاره دارد؟ منظور این سخن الله متعال است که می‌فرماید: ﴿وَشَهَدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۰] ترجمه: «و کسانی از بنی اسرائیل بر همچون کتابی گواهی دهند و ایمان بیاورند و شما تکبر بورزید (و خویشان را بزرگ‌تر از این بدانید که از آن پیروی کنید، آیا شما به خود ظلم نمی‌کنید؟). بی‌گمان الله ظالمان را (به سوی خیر و به راه سعادت) رهنمود نمی‌سازد. ظالمانی که راستای راه حق را می‌بینند و آن را در پیش نمی‌گیرند».

و یا اینکه این ضمیر (ه) در جمله «وَمِنْ قَبْلِهِ» به قرآن عظیم الشان اشاره دارد؟ که در اینصورت، جمله «وَمِنْ قَبْلِهِ» خبر مقدم می‌باشد؛ در این زمینه دو دیدگاه در بین علما و دانشمندان وجود دارد که تعدادی از مفسران از جمله امام آلوسی رحمته آن‌ها را ذکر کرده است.

علامه آلوسی رحمته گفته است: «و مقصود این است که پیش از آن، کتاب موسی بوده است که در دین الله و شریعت‌های او به آن اقتدا می‌شد، همان‌گونه که به امام اقتدا می‌شود؛ و رحمت از جانب الله متعال برای کسانی است که به آن ایمان آورده و به موجب آن عمل نموده‌اند؛ و در این آیه، کلمه‌ی «وَهَذَا» به معنای قرآن است که آن‌ها در مورد آن چیزهایی می‌گویند؛ و «كِتَابٌ» خبر آن می‌باشد.^۱»

این آیه، میان قرآن کریم و تورات، اسلام و یهودیت و بین پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و موسی علیه السلام ارتباط برقرار کرده است.

این ارتباط به دلیل وجود یهودیان فراوان در مدینه‌ی منوره، خیبر و جنوب شبه جزیره عرب و انتشار اخبار موسی علیه السلام بوده است. این موضوع حجتی برای مشرکان قریش و دیگران فراهم می‌کند؛ زیرا ارسال پیامبران از سوی الله متعال امری طبیعی است و الله آنان را قبل از محمد صلی الله علیه و آله برای بشارت و اذار فرستاده بود تا مردم بر الله سبحانه و تعالی، حجتی نداشته باشند.

۱- تفسیر الألوسی = روح المعانی (۱۷۲/۱۳).

در آیه‌ی فوق «لِسَانًا عَرَبِيًّا»، زبانِ این قرآن، زبانِ عربی معرفی شده است؛ زیرا فصیح‌ترین زبان‌ها است و تأثیرگذاری بیشتری بر شنوندگانش دارد. این زبان، از زبانِ کتابِ موسی عَلَيْهِ السَّلَام (تورات) و زبان‌هایی که انجیل‌ها به آن نوشته شده‌اند، برتر و فصیح‌تر است. این نشان‌دهنده‌ی آنست که الله متعال زبان عربی را بزرگ داشته و قرآن را به این زبان نازل کرده و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برگزیده و او را فصیح‌ترین عرب قرار داده است تا این قرآن عربی را تلاوت نموده و بخواند.



ارزش و اهمیت فراگیری و آموزش زبان عربی

هر مسلمان صادقی، قرآن را دوست دارد و پیامبرش محمد ﷺ را نیز دوست می‌دارد. اگر الله متعال به او نعمت یادگیری آسان زبان عربی را عطا نماید و این زبان را بفهمد و در صحبت کردن با آن تمرین کند، افق‌های جدیدی بروی او باز نموده و به او کمک فراوانی در فهم متون وحی می‌نماید.

دلیل این ادعا آنست که الله ﷻ می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [فُصِّلَتْ: ۳] ترجمه: «کتابی است که آیات آن تفصیل و تبیین شده است (و واضح و روشن گشته است. یعنی) قرآن که به زبان عربی است، برای قومی (فهم معانی آن آسان) است که اهل دانش باشند».

این آیهی مُحکَم، راهنمایی است برای کسی که می‌خواهد از جمله افرادی باشد که کتاب الله را می‌فهمند؛ باید زبان عربی را که زبان قرآن است بیاموزد تا قرآن کریم را به درستی و به خوبی درک نماید؛ در آخر آیه این جمله‌ی مهم و قابل تأمل بکار رفته است: ﴿لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی: «برای قومی (فهم معانی آن آسان) است که اهل دانش باشند».

پس خواننده گرامی، به یادگیری زبان عربی فصیح بپرداز و بر آن تلاش فراوان به خرج داده و از طریق تمرین نمودن، معانی گسترده‌ای را که در آن وجود دارد، به درستی فهمیده و درک کن.

مبحث دوم

رابطه قرآن کریم با زبان عربی و دوری از زبان

غیر عربی

نعمت‌های الله متعال بر ما بسیار بزرگ و گسترده است؛ زمانی که ما را به عنوان برادران ایمانی و از جمله‌ی ایمان آورندگان به محمد ﷺ و این قرآن عظیم‌الشان قرار داد که در آن آیات روشن، با نهایت شگفتی در فصاحت، وضوح مفاهیم، بلاغت و برهان قاطع وجود دارد. از جمله مواردی که بر زیبای‌های یاده شده درباره‌ی قرآن کریم دلالت می‌کند، این سخن الله ﷻ است که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ [النحل: ۱۰۳] ترجمه: «ما می‌دانیم که (کفار مکه تهمت می‌زنند و) ایشان می‌گویند: (این آیات قرآنی را الله به محمد نمی‌آموزد و بلکه) آن را انسانی بدو می‌آموزد. زبان کسی که (آموزش قرآن را) به او نسبت می‌دهند، گنگ و غیر عربی است و این (قرآن) به زبان عربی گویا و روشنی است (که حتی شما عرب‌ها هم در فصاحت و بلاغت آن حیران و از ساختن و ارائه کردن یک سوره مانند آن ناتوان و درمانده‌اید).

مشرکین قریش می گفتند: پیامبر ﷺ این قرآن کریم را از انسانی آموخته است و این داستان‌ها و اخبار ذکر شده در آن را از مردی عجمی (غلامی که در قریش داشتند) گرفته است.

قرآن کریم با تعجب، این سخن را انکار نمود؛ زیرا آن مردی که آن‌ها به او اشاره می کردند، زبانش عجمی بود و به زبان عربی مسلط نبود، درحالی که قرآنی که پیامبر ﷺ آورده و بر آن‌ها می خواند و آن‌ها را به چالش کشیده و به مبارزه می طلبد، به زبان عربی مبین و واضح است.

الله متعال این تناقض‌شان را در آیهی دیگری نیز بیان نموده و می فرماید: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۴] ترجمه: «و اگر بر فرض قرآن را به زبانی جز زبان عربی فرو می فرستادیم، حتماً می گفتند: اگر آیات آن (به عربی) توضیح و تبیین می گردید (چه می شد؟ در این صورت ما آن را روشن و گویا فهم می کردیم. و می گفتند: آیا (کتاب) غیر عربی و (پیغمبر) عربی؟ بگو: قرآن برای مؤمنان مایه راهنمایی و بهبودی است. (ایشان را از راه‌های گمراهی و سرگستگی می رهاند و از بیماری‌های شک و گمان نجات می بخشد) و اما برای غیرمؤمنان، کری گوش‌های‌شان و کوری (چشمان) آنان است. (انگار) آنان کسانی هستند که از دور صدا زده می شوند (این است که با وجود چشم باز و گوش باز، منادی‌گر را چنان که باید نمی بینند و ندائی را که معلوم و مفهوم باشد نمی شنوند).

یعنی اگر این قرآن را عجمی قرار می‌دادیم، یا برخی از آیات آن عجمی می‌بود، یقیناً می‌گفتند: ﴿لَوْلَا فَصَلَّتْ آيَاتُهُ﴾ یعنی: «چرا آیات آن توضیح و تفصیل داده نشده است»؟.

چگونه ممکن است قرآن کریم عجمی باشد و بر مردی عربی نازل شود؟! آیا این عقلانی و منطقی است!.

امام ابن کثیر رحمته در تفسیر این آیه مبارکه می‌گوید: «زمانی که الله متعال قرآن و فصاحت و بلاغت و احکامش در لفظ و معنا را ذکر و بیان نمود، با این حال مشرکان به آن ایمان نیاوردند. الله تعالی اشاره کرد که کفر آن‌ها از روی عناد و سرکشی است، چنان‌که او تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ * فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۸-۱۹۹]»^۱

ترجمه: «اگر قرآن را بر یکی از غیر عرب‌ها نازل می‌کردیم و او قرآن را برای آنان می‌خواند (به گونه کاملاً رسا و گویا و صحیح و زیبا) به آن ایمان نمی‌آوردند». و این از تناقضات آشکار دشمنان قرآن است. (پناه به الله)

در این امر نیز بیان عظمت و بزرگی قرآن عظیم الشان و حجیت آن نهفته است. لذا کسی که به آن ایمان دارد و آن را مقدّس می‌شمارد، باید زبان عربی را یاد بگیرد تا معانی آیات، اسرار و بلاغت آن را بفهمد. و اگر چیزی از آن آموخته است، باید تلاش کند تا بیشتر به آن زبان سخن بگوید.



۱- تفسیر ابن کثیر ط العلمیة (۷/ ۱۶۸).

فلسفه و حکمت نزول قرآن کریم به زبان عربی

الله متعال در قرآن کریم و در آیه‌ای روشن و محکم، به یک حکمت بزرگ و دلیل واضح اشاره کرده که پیامبر ما ﷺ از عرب‌ها بوده و زبان قومش (قریش) به اوج فصاحت در زبان عربی بوده است. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [ابراهیم: ۴] ترجمه: «ما هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم مگر این که به زبان قوم خودش (سخن می‌گفته است) تا برای آنان (احکام الهی را) روشن سازد (و حقائق را تبیین و تفهیم کند). سپس الله هرکس را که (به فرمان آسمانی گوش نکرده است) گمراه ساخته است و هرکس را که (برابر دستور آسمانی حرکت نموده است) رهنمود ساخته است. و او چیره (بر هر کاری است که بخواهد و کارهایش) دارای حکمت است».

و حکیم کسی است که هر چیز را در جایش قرار دهد، حکمت بزرگ اشاره شده در پایان آیه آنست که همه‌ی پیامبران با زبان قوم‌شان فرستاده شده‌اند تا برای آنان آیات الله را توضیح و تبیین نمایند؛ زیرا اگر پیامبر، قوم خود را با زبانی که نمی‌شناسند دعوت کند، حُجَّت بر آنان اقامه نخواهد شد، زیرا آنان نمی‌توانند معنا و مفهوم درست کلام او را فهمیده و ابعاد آن را

درک نمایند. بنابراین، الله متعال در قسمتی از آیه می‌فرماید: ﴿فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾.

یعنی: «سپس الله هرکس را که (به فرمان آسمانی گوش نکرده است) گمراه ساخته است و هرکس را که (برابر دستور آسمانی حرکت نموده است) رهنمود ساخته است».

بنابراین، الله تعالی هدایت را به خود نسبت داده و همچنین اوست که هر که را بخواهد، گمراه می‌سازد. زیرا با وجود دلایل روشن که در تورات، انجیل و زبور آمده بود، حُجَّت بر بنی‌اسرائیل اقامه شد. همچنین، قرآن به زبان عربی نازل شد و حُجَّت بر قریش، بیش از دیگران بود؛ زیرا پیامبر با زبان قوم خود فرستاده شد، به ویژه نزدیکانش.

آثار زیادی نقل شده است که تعدادی از صحابه و دیگران، در صورت اختلاف در فهم الفاظ قرآن، به زبان یا لهجی قریش مراجعه می‌نمودند، زیرا لهجی قریش فصیح‌ترین لهجه‌های عربی بود. هرچند میان لهجه‌های عربی تفاوت‌های کمی وجود داشت، اما عرب‌ها همچنان یکدیگر را می‌فهمیدند. گرچه بحث در مورد منشأ این لهجه‌های عربی فصیح یک موضوع جداگانه است، اما بدون شک ابراهیم عليه السلام به عربی صحبت می‌کرده و به احتمال زیاد، اجداد او تا نوح عليه السلام نیز به عربی صحبت می‌کردند. و بحث مفصل این مساله فرصت دیگری می‌طلبد. والله اعلم.



وضاحت و روشنی زبان قرآن کریم

الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۵] ترجمه: «این (قرآن) فرو فرستاده‌ی پروردگار جهانیان است. جبرئیل آن را فرو آورده است. بر قلب تو، تا از زمره‌ی بیم‌دهندگان باشی. به زبان عربی روشن و آشکاری است.»

این آیات، به روشنی بیان می‌کند که این قرآن از سوی پروردگار جهانیان، توسط جبرئیل امین، بر قلب محمد رسول الله ﷺ نازل شده است. همچنین آیات فوق به وضوح نشان می‌دهد قرآنی که بر قلب محمد ﷺ نازل شده است، به زبان عربی روشن و آشکار می‌باشد؛ یعنی زبانی که واضح، روشن و قابل فهم است، به گونه‌ای که خود به خود قابل درک است و هر کسی که بخواهد، می‌تواند آن را بفهمد. بنابراین، این قرآن کریم، دور از معانی و مفاهیم مبهم است؛ هیچ ابهامی در آن نبوده و هیچ انحرافی ندارد، بلکه آشکار و روشن است و هر کسی که به زبان عربی صحیح مسلط باشد، آن را به خوبی درک می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت فهم زبان قرآن کریم است تا بتوانیم دلالت‌ها و معانی آن را به درستی درک کنیم.



آسانی قرآن کریم و زبان عربی برای حفظ و فهمیدن

قرآن عظیم الشان - همان گونه که بر کسی پوشیده نیست - معجزه‌ی پیامبر ﷺ بوده و در آن اعجاز بی‌شماری وجود دارد. بسیاری از علما گفته‌اند: الله متعال در هر زمانی از اعجاز قرآن، حجتی را بر اهل آن زمان آشکار می‌سازد؛ چرا که در قرآن دلایل روشن و آیات واضحی وجود دارد.

در گفت‌وگویی با یک مهندس نصرانی که از کشور سوریه بود - در یکی از کشورهای عربی -، او به من گفت: «ما به پیامبر ﷺ احترام می‌گذاریم، اما او فقط برای عرب‌ها فرستاده شده است». این سخنی عجیب است! زیرا این فرد عرب است و می‌تواند به راحتی قرآن را بخواند و بفهمد. اگر چنین کند، آیات زیادی را خواهد یافت که نشان دهنده آنست که پیامبر ﷺ برای جهانیان فرستاده شده است. از جمله آیات ذیل که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[سبأ: ۲۸] ترجمه: «ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم‌دهنده (کافران به شقاوت سرمدی) باشی، ولیکن اکثر مردم (از این معنی) بی‌خبرند (و همگانی بودن نبوت تو را باور نمی‌دارند)».

عَلَّامَهُ ابْنِ كَثِيرٍ رحمته نیز چندین آیه از قرآن کریم را ذکر کرده است که به صراحت و به طور واضح بر این معنا دلالت دارد^۱.

و این آیات، بیانگر اینست که رسول الله صلی الله علیه و آله برای همه بشریت فرستاده شده است.

پس بنگر و تأمل کن که چگونه این نصرانی (مسیحی) از خواندن قرآن کریم و هدایت گرفتن از آن غافل شده است و درحالی که زبان عربی را می فهمد اما به او نفعی نرسانده است!

از جمله آیات عظیمی که بر این معنا دلالت دارد نیز سخن الله متعال است که می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷] ترجمه: «و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده ایم».

بنابراین هرکس بگوید که رسول الله صلی الله علیه و آله فقط برای عربها فرستاده شده است و یا اینکه قرآن فقط برای عربهاست، به قرآن کریم توهین نموده و دچار لجاجت و مغالطه شده است؛ زیرا این امور در آیات متعدد قرآن کریم به وضوح بیان گردیده است.

الله متعال قرآن را برای حفظ و فهم، سهل و آسان قرار داده است و این به معنای تسهیل زبان عربی برای فهم و گفتگو می باشد. همچنین، تلفظ حروف آن آسان و واژگان و معانی آن بسیار است. الله متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۱۷] ترجمه: «و به یقین، قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم؛ پس آیا پند گیرنده ای هست؟». و لام در کلمه «لِلذِّكْرِ» برای تعلیل می باشد (یعنی: تا باشد که پند پذیرند).

۱- نگا: تفسیر ابن کثیر ط العلمیة (۴۵۸/۶).

علامه ابن کثیر رحمته الله در این باره گفته است: «یعنی لفظ آن را آسان کردیم و معنی آن را برای کسی که خواهان آن باشد، تسهیل نمودیم تا مردم پند گیرند».

پس الفاظ قرآن کریم سهل بوده و همچنین درک معانی آن برای کسی که با قصد تدبُّر و تفکُّر یا با نیت تلاوت آن، برای کسب ثواب بخواند، آسان است. این تسهیل و آسانی، یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم است؛ به گونه‌ای که می‌بینیم غیرعرب‌هایی که نمی‌توانند به زبان عربی صحبت کنند، قرآن را حفظ می‌کنند و از کوچک و بزرگ، به خوبی تلاوت می‌نمایند. ما خود نیز این را با چشم‌های خود دیده‌ایم و این فضل الله متعال است که به هر کسی بخواهد، عطا می‌کند.



۱- تفسیر ابن کثیر ط العلمیة (۷/ ۴۴۲).

نکته و فایده‌ی مهم

انگیزه‌ی بزرگ برای فهمیدن و حفظ قرآن کریم، همانا قلب است. محبت و بزرگداشت شما نسبت به رسول الله ﷺ شما را برمی‌انگیزد تا به زبان او صحبت کنید و بتوانید سخنانش را بخوبی بفهمید. محبت و تعظیم شما نسبت به قرآن عظیم‌الشان و تلاوت آن و نیز علاقه شما به تدبر در آن، شما را به یادگیری زبان قرآن کریم تشویق نموده تا آن را حفظ کرده و در آن تدبر نموده و معانی آن را بیاموزید. الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ [النساء: ۸۲] ترجمه: «آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند؟».

پس باید برانگیختن قلب‌ها نزد ما، اساس تقویت همّت و انگیزه برای یادگیری زبان عربی باشد. اگر کسی با این نیت شروع کند، از سوی الله سبحانه و تعالی آسانی و یاری در یادگیری و فهم آن، خواهد یافت.



یاری گرفتن از زبان عربی برای تدبر در قرآن کریم

الله متعال بسیاری از آیات قرآن کریم را با عبارتهایی مانند ﴿لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۰] ترجمه: «برای خردمندان است».

و ﴿وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۲۶۹] ترجمه: «و جز خردمندان (این حقائق را درک نمی کنند و) متذکر نمی گردند».

و ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۱] ترجمه: «تا این که (راه صلاح و سعادت خویش را بشناسند و) یادآور شوند».

و ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۶] ترجمه: «تا اینکه بیندیشند».

و شبیه این کلمات به پایان رسانده است که عقل را مورد خطاب قرار داده و آن را به فهم و تفکر دعوت می کنند.

در آیه ای مشابه و نزدیک به همین مفهوم، الله متعال می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲]

ترجمه: «آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟ و اگر از سوی غیرالله آمده بود در آن تناقضات و اختلافات فراوانی پیدا می کردند».

در این آیه، به تدبر در قرآن تشویق شده است. تدبر به معنای تأمل و تفکر می باشد.

و این از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم است؛ زیرا اگر قرآن از جانب غیر الله بود، در آن تناقض و اختلاف بسیاری یافت می‌شد، اما در قرآن کریم هیچ تناقض و تعارضی وجود ندارد. هر که چنین توهمی کند، باید فهم خود را بازنگری نماید؛ زیرا ممکن است برخی از کلمات را به درستی درک نکرده باشد و این امری مسلم و قطعی است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی عرب‌ها را با قرآن کریم به چالش کشید و آن‌ها نتوانستند چیزی در آن بیابند تا به آن خدشه وارد کنند. حال، چگونه کسانی که هزار و چهارصد سال پس از نزول قرآن آمده‌اند، درحالی که گویش‌های عامیانه در میان آن‌ها رواج یافته و مهارت‌های زبانی‌شان ضعیف شده، می‌توانند قرآن را نقد نمایند؟.

تدبّر به معنای تأمل و تفکر استعمال می‌گردد و الله متعال در مورد منافقان و کسانی که در طول زمان، تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته‌اند، می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ۲۴] ترجمه: «آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند (و مطالب و نکات آن را بررسی و واری نمی‌کنند؟) یا اینکه بر دل‌هایی قفل‌های ویژه‌ای زده‌اند؟».

بنابراین، آن‌ها باید تفکر کنند و عقل خود را به کار گیرند تا حق را از باطل تشخیص دهند. اما قلب‌های‌شان قفل شده است، لذا نمی‌توانند کلام را درک کنند. منافقان نیز نمی‌توانستند درک کنند؛ آنان پس از شنیدن سخنان پیامبر ﷺ، از جمله آیات، احادیث و خطبه‌ها، به کسانی که هدایت یافته بودند می‌گفتند: ﴿مَاذَا قَالَ أَنْفًا﴾ [محمد: ۱۶] ترجمه: «این مرد الآن چه گفت؟».

نکته مهم این است که: هیچیک از منافقان حتی یک حدیث از پیامبر ﷺ روایت نکردند؛ زیرا آنان سخنان ایشان را نمی‌فهمیدند و به درستی تعقل نمی‌کردند. الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۶] ترجمه: «در میان منافقان کسانی هستند که به سخنان گوش فرا می‌دهند، اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، به کسانی (از صحابه) که (از سوی الله) بدیشان علم و دانش بخشیده شده است، می‌گویند: این مرد الآن چه گفت؟! (آنچه می‌گوید بی‌ارزش و یاهو است!) آنان کسانی‌اند که الله بر دل‌های‌شان مهر نهاده است و از هوا و هوس‌های‌شان پیروی می‌کنند».

در نتیجه، لازم است که فرد مسلمان، قرآن کریم را فهمیده و به سیاق آیات توجه داشته و زبان عربی را بیاموزد تا در قرآن کریم به درستی تدبیر نماید و آن را همانگونه که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، درک کند. اگر زبان عربی را آموخت، باید بر تکرار و مراجعه‌ی آن و صحبت نمودن با آن مداومت ورزد.



بلاغت قرآن کریم یکی از جنبه‌های اعجاز آن است

الله متعال سرور ما محمد ﷺ را به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستاده و همراه او قرآن را نازل کرده و آن را معجزه‌ای قرار داد که بوسیله‌ی آن فصیحان و بلیغان را به چالش کشید؛ و این چالش همچنان تا روز قیامت که الله متعال زمین و آنچه بر روی آن است به ارث ببرد، ادامه دارد.

اعجاز قرآن کریم در هر عصری بر اساس فهم و دانش آن عصر و زمان است؛ و این امر از عظمت و بزرگی قرآن کریم حکایت دارد. در زمان ما، اعجاز علمی قرآن که نشانه‌های خاص خود را دارد، آشکار شده است و این یک جنبه مهم از شایستگی‌ها و جنبه‌های اعجاز قرآن کریم می‌باشد. همچنین، فصاحت و بلاغت قرآن کریم از دیگر جلوه‌های اعجاز آن است که عرب‌ها در زمان نزول آن، به خوبی درک کرده و هنوز هم علمای زبان عربی این اعجاز را تا به امروز درک می‌کنند.

الله متعال در دو آیه از کتاب خود اشاره نموده است که قرآن را به زبان عربی نازل کرده است تا تقوا در میان مردم بجا بماند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾ [طه: ۱۱۳] ترجمه: «همچنین قرآن را به زبان عربی فرو فرستادیم و در آن بیم دادن و ترساندن را (به شیوه‌های گوناگون) بازگو کردیم، تا این که (مردمان از کفر و معاصی) بپرهیزند، یا باعث یادآوری و بیداری (و مایه پند و عبرت) ایشان شود».

و نیز می‌فرماید: ﴿فُرَاتًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [الزمر: ۲۸]
ترجمه: «قرآن فصیحی که به زبان عربی (نازل شده) است و خالی از هر گونه
کژی (ظاهری) و نادرستی (معنوی) است؛ تا باشد که ایشان پرهیزگاری
پیشه کنند (و در پرتو فهم قرآن، خویشان را از خواری دنیا و عذاب سخت
آخرت برهانند و به دور دارند)».

این وعید شدید و بیان واضح در این زبان فصیح و روشن، تقوا را لازم
می‌گرداند؛ زیرا کسانی که به قرآن کریم ایمان دارند و به الله متعال که خالق
آن‌ها است، خضوع و فروتنی می‌کنند و کلام بزرگ او را مرجع و قانون
زندگی خود قرار می‌دهند، این امر، به خودی خود تقوا را در میان آن‌ها به
ارمغان خواهد آورد.

بی‌تردید، ترس از نافرمانی خالق متعال و نافرمانی پیامبر ﷺ در آیات
وعید، تقوا را در قلب مؤمن ایجاد خواهد کرد؛ بنابراین او برای الله متعال
خضوع و فروتنی کرده و از گناهان پرهیز می‌کند. روزه‌دار با وجود گرسنگی
و تشنگی، در روز رمضان از خوردن و آشامیدن خودداری می‌کند و نمازگزار
برای نماز صبح، از خواب شیرین برمی‌خیزد، زیرا او از الله متعال ترسیده و از
نافرمانی او پرهیز می‌کند.

تأمل و تفکر در این معانی بلند قرآنی بسیار مهم است، اما این امر مهم،
جز با تسلط بر زبان عربی، شناخت دلالت‌ها و هدایت‌های آن و تمرین در
صحبت نمودن به این زبان حاصل نمی‌شود؛ و این همان راه و روش درک و
فهم صحیح دین است.



اهمیت یادگیری زبان عربی در فهم قرآن و استدلال به آن

عظمت قرآن و اعجاز آن در بلاغت و فصاحت و بیان آن در آیات و سوره‌هایش آشکار و واضح است. از جمله در این آیه که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ﴾ [الرعد: ۳۷] ترجمه: «همان گونه (که کتاب‌های آسمانی را برای پیغمبران پیشین فرستادیم) قرآن را هم به عنوان داور (در میان مردم و داور کتاب‌های گذشته، به زبان) عربی (بر تو) فرستادیم. و اگر بعد از آن که دانش (وحی) به تو رسیده است، از آرزوها و خواسته‌های‌شان پیروی کنی، کسی نمی‌تواند در برابر الله تو را یاری دهد و تو را (از دست عذاب او) محفوظ دارد».

الله متعال در آیه‌ای که قبل از این آیه آمده است، بیان می‌کند که برخی اهل کتاب از نزول قرآن بر رسول الله ﷺ خوشحال می‌شوند، زیرا قرآن کریم تصدیق‌کننده کتاب‌های آن‌ها و مواردی است که پیامبران پیشین به آن‌ها بشارت داده بودند.

الله تعالی بیان می‌دارد که این قرآن را به زبان عربی و با احکام روشن نازل کرده است؛ به این معنا که احکام قرآن فقط از طریق زبان عربی قابل فهم است.

از مثال‌های بزرگی و عظمت قرآن کریم که می‌توان به آن اشاره کرد، این سخن الله متعال است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ [الحجرات: ۱۳] یعنی: «ای مردمان!» خطاب به تمام انسان‌ها و بشریت است، بعد می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳] ترجمه: «ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حوآء) آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد الله متقی‌ترین شما است».

در این آیه، الله متعال میزان و معیاری را برای تعیین برتری انسان‌ها در میان اقوام و ملت‌های مختلف بیان می‌کند؛ ملت‌هایی که امروزه بیش از دویست (دو صد) کشور مختلف را تشکیل می‌دهند. معیار برتری نزد الله، تقواست: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳] ترجمه: «بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد الله متقی‌ترین شما است».

بنابراین، هیچ فضلی برای عرب بر غیرعرب و یا غیرعرب را بر عرب نیست، مگر با تقوا و پرهیزگاری.

این معیار، یک حکم عربی روشن و مختصر است که عظمت زبان عربی را نشان می‌دهد. همچنین این اهمیت یادگیری و استفاده از زبان عربی را برای فهم و استدلال به قرآن کریم مورد تأکید قرار می‌دهد.

سپس الله متعال بیان می‌کند که اگر رسول الله ﷺ این حکم عربی را ترک کرده و به پیروی از هوای نفسانی آن‌ها پردازد، هیچ محافظی او را از

عذاب الهی نجات نخواهد داد: ﴿وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وِيٍّ وَلَا وَاقٍ﴾ [الرعد: ۳۷] ترجمه: «و اگر بعد از آن که دانش (وحی) به تو رسیده است، از آرزوها و خواسته‌های‌شان پیروی کنی، کسی نمی‌تواند در برابر الله تو را یاری دهد و تو را (از عذاب او) محفوظ دارد».

پیروی از هواهای نفسانی نشان‌دهنده پراکندگی و نبود روشنایی و هدایتی است که آن‌ها را هدایت کند و اینکه مرجعی ندارند تا به آن بازگردند. بلکه هرکس از هوای نفس خود پیروی کرده و بی‌تردید این هواهای نفسانی پراکنده و متشتت هستند. اما آیات قرآن کریم، علم الهی بوده و علم او بی‌نهایت است.

اگر دریاها جوهر کلمات پروردگار می‌شدند، دریاها تمام می‌گردیدند، اما کلمات پروردگار پایان نمی‌یافت.

همانا هدف نهائی تشویق به عمل کردن به این حکم است که فقط از طریق زبان عربی قابل فهم می‌باشد؛ و باید در این زبان دانش داشته باشید تا فهم و استدلال شما صحیح و خالی از خطا باشد.



خطر انحراف و کژئی در فهم زبان قرآن بسیار جدی است

جهل مُرگب در میان منحرفین و اهل بدعت بسیار رایج است. برخی از آن‌ها در مواجهه با تنگناها، به راه‌های دشواری روی آورده و ادعا کرده‌اند که در قرآن نقص وجود دارد. آن‌ها این ادعا را به‌طور علنی بیان نموده‌اند و به همین دلیل مناظرات بسیاری در عصر دولت آل بویه برگزار شد. این افراد به‌رغم اعتقادشان به اینکه بزرگ‌ترین فریضه، ایمان به امامان معصوم (اوصیاء) است، به قرآن نسبت نقص داده‌اند. هنگامی که از آن‌ها خواسته شد دلیلی از قرآن کریم برای ادعای خود بیاورند، گفتند: «بخشی از قرآن حذف شده است و در نتیجه ناقص است» -نعوذ بالله- این ادعا، نشان از فرار از مشکلی و افتادن در مشکل‌تری بزرگ‌تر دارد.

همچنین وقتی از آن‌ها پرسیده شود: دلیل شما برای وصیت در غدیرخُم چیست؟ که هیچ‌کس آن را طبق روایات آن‌ها نقل نکرده و هیچ‌یک از صحابه، آن را به صورتی نفهمیده‌اند که آن‌ها مدّعی هستند، پاسخ داده و می‌گویند: «صحابه مرتد شده‌اند!» پناه بر الله - با اینکه هرگز علی علیه السلام در طول زندگی خود به این روایت استناد نکرد، نه در روز سقیفه و نه زمانی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه پس از مشاوره با مسلمانان، عمر بن خطاب رضی الله عنه را به عنوان خلیفه سفارش نمود. و نه در زمانی که عمر رضی الله عنه افرادی از صحابه را بعد از

خود به عنوان خلیفه توصیه و سفارش نمود؛ علی رضی الله عنه حتی در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه که نیاز به این استدلال داشت، به این روایت استناد نکرد که او خلیفه است؛ سخن در این باره زیاد است ولی خلاصه می‌گوئیم که این رفتار علی رضی الله عنه نشانگر بطلان ادعای اهل بدعت (شیعیان) است.

آیات زیادی در قرآن بر این دلالت دارند که الله متعال این ذکر روشن (قرآن کریم) را حفظ کرده است. الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹] ترجمه: «ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم).

و همچنین آیات بسیاری نیز در مورد فضیلت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد. اما مشکل اصلی این افراد، در عدم درک صحیح معانی قرآن کریم و ضعف و ناتوانی‌شان در فهم زبان عربی است که آن‌ها را به اشتباه و کج‌روی می‌اندازد.

یکی دیگر از دلایل این موضوع نیز آیه‌ای است که الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾ [فصلت: ۴۱] ترجمه: «کسانی که قرآن را انکار می‌کنند بدان گاه که به ایشان می‌رسد، (بر ما پوشیده نمی‌ماند و سزای آن را می‌بینند). قرآن کتاب ارزشمند و بی‌ظنیری است.»

مراد از «الذکر» در این آیه، قرآن کریم است. در این آیه، تأکیدات لفظی و معنوی متعددی وجود دارد، از جمله «لَمَّا جَاءَهُمْ» یعنی: «بدان گاه که به ایشان می‌رسد» و «إِنَّ» که حرف توکید است در «وَإِنَّهُ» و لام تأکید در «لَكِتَابٌ».

و مفهوم «عَزِيزٌ» این است که قرآن کریم غالب است و هرکس به آن تمسک جوید، پیروز خواهد بود؛ و هرکس از آن دوری نماید یا با آن مخالفت ورزد، مغلوب شده و شکست خواهد خورد. همان گونه که الله متعال نیز می فرماید: ﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۲] یعنی: «و توسط قرآن، با آنان جهاد بزرگ را آغاز کن».

سپس الله متعال می فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۲] ترجمه: «هیچ گونه باطلی، از هیچ جهتی و نظری، متوجه قرآن نمی گردد. (نه غلطی و تناقضی در الفاظ و مفاهیم آن است و نه علوم راستین و اکتشافات درست پیشینیان و پسینیان مخالف با آن؛ و نه دست تحریف به دامان بلندش می رسد. چرا که) قرآن فرو فرستاده الله است که با حکمت و ستوده است (و افعالش از روی حکمت است و شایسته حمد و ستایش بسیار است)».

این از ویژگی ها و خصوصیات قرآن کریم است که: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ﴾ یعنی: «هیچ باطلی از جلو (زیادت و اضافتی) به آن وارد نمی شود» ﴿وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ یعنی: «و هیچ نقصی در آن نیست». ﴿تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ یعنی: «این کتاب، از سوی الله متعال نازل شده است».

بنابراین، این قرآن عظیم الشان حُجَّتی بر تمام انسان ها و معجزه ای است که الله متعال با آن، عرب های فصیح و بلیغ و همچنین همه نسل های بعد از آن ها را با بلاغت، فصاحت، علوم و دیگر جنبه های متعدد اعجاز در آن، به مبارزه طلبیده است.

این امر ما را به تلاش برای حفظ، فهم صحیح و مراجعه به قرآن کریم ترغیب کرده و همچنین ما را از انحراف در فهم آن برحذر می‌دارد؛ زیرا انحراف در فهم قرآن کریم، به انحراف در عمل منجر می‌شود.



اهمیت فهم دلالت‌های الفاظ و سیاق آیات در قرآن کریم

الله متعال پیامبرش محمدرسول الله ﷺ را در بهترین سرزمین‌ها (مکه) مبعوث کرد، سرزمینی که الله متعال آن را «أُمُّ الْقُرَى» نامیده است. بنابراین، ساکنان مکه از اعراب بادیه‌نشین نیستند که از جایی به جای دیگر کوچ می‌کنند، بلکه افرادی هستند که در این شهر مستقر و مقیم می‌باشند.

برخی نویسندگان معاصر در این باره دچار اشتباه شده‌اند و گفته‌اند که رسول الله ﷺ در بین بادیه‌نشینان (اعراب) مبعوث شده است و سپس به تعریف اعراب پرداخته و عربیت را به اعراب نسبت داده‌اند. بدون تردید این اشتباه آشکاری است؛ زیرا الله متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ [الشوری: ۷] ترجمه: «این چنین (روشن و مکه و اطراف آن را (از خشم الله و عذاب دوزخ) بترسانی)». یعنی: اهل طائف و دیگران را.

بین مفهوم «اعراب» و «اهل مکه» تفاوت زیادی وجود دارد؛ اهل مکه اعراب نیستند بلکه ساکنان شهرها می‌باشند و همچنین بادیه‌نشین نیستند.

تفاوت بین مفهوم «اعراب» و «بادیه‌نشین» نیز وجود دارد، همانطور که یوسف علیه السلام فرمود: ﴿وَجَاء بِكُمْ مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي﴾ [یوسف: ۱۰۰] ترجمه: «و (الله متعال) بعد از آن که شیطان میان من و

برادرانم تباهی و جدائی انداخت، شما را از بادیه (شام به مصر) آورده است.» و نگفت: از اعراب بلکه کلمه بادیه را استفاده نمود.

سوره شوری از ابتدا بیان کرده است که آنچه بر محمد رسول الله ﷺ نازل شده، همانا وحی الهی است. الله متعال می‌فرماید: ﴿حَمَّ عَسَقًا. كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الشوری: ۱-۳] ترجمه: «حا. میم. عین. سین. قاف. الله نیرومند و فرزانه، به تو و به کسانی که پیش از تو (پیغمبر) بوده‌اند این چنین (معانی و مقاصدی که در این سوره است) وحی می‌کند.» سپس فرمود: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ [الشوری: ۷] یعنی: «این چنین (روشن و گویا) قرآن بزرگواری را که به زبان عربی است به تو وحی می‌کنیم.»

و بعد از آن، حکمت این وحی را بیان کرده و می‌فرماید: ﴿لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ [الشوری: ۷] یعنی: «تا اهل مکه و اطراف آن را (از خشم الله و عذاب دوزخ) بترسانی.»

این هشدار برای همه است از سرنوشتی که به آن دچار خواهند شد؛ یا وارد شدن به بهشت، یا در آمدن به جهنم و دوزخ. از اینجا باید فهمید که فهم صحیح قرآن کریم نیازمند درک سیاق آیات و شناخت مفاهیم زبان عربی است. این امر نشان‌دهنده اهمیت فهم بلاغت و بیان در زبان عربی است، تا معانی به‌درستی و در ارتباط با سیاق آیات قبلی و بعدی روشن گردد.



سخن پایانی

همانا فضل و برتری زبان قرآن کریم که رسول الله ﷺ، بهترین مخلوقات با آن سخن گفته است، مورد اجماع همگان است. حتی اهل کتاب، یهودیان، مسیحیان و سایر کافران نیز عظمت زبان ضاد^۱ را می‌دانند. هر مسلمانی که پیامبر ﷺ را دوست می‌دارد، بدون توجه به گرایش‌های سیاسی و فکری خود، به اهمیت زبان قرآن کریم یقین و باور کامل داشته باشد.

پرسش مهم و اساسی

در مورد کاربرد عملی صحبت کردن به زبان قرآن کریم، یعنی عربی فصیح، بسیاری معتقدند که این کار دشوار است، اما این باور درست نیست. آری، ما نیاز به عزم و اراده‌ی قوی با خود را داریم. در اینجا چند مرحله عملی و آسان برای کسانی که عزم خود را جزم کرده‌اند و از الله متعال یاری خواسته و دغدغه یادگیری و آموزش زبان قرآن را دارند، ارائه می‌شود.

۱- زبان عربی به این دلیل که تنها زبانی است که دارای حرف «ضاد» می‌باشد، به «زبان ضاد» معروف شده است. علاوه بر این، عرب‌ها فصیح‌ترین کسانی هستند که این حرف را تلفظ می‌کنند. همان‌طور که معروف است، حرف ضاد یکی از سخت‌ترین حروف برای تلفظ توسط غیرعرب‌ها محسوب می‌شود؛ و برخی از کسانی که به زبان‌های دیگر صحبت می‌کنند، قادر به پیدا کردن صدای جایگزینی برای آن در زبان‌های خود نیستند.

گام‌هایی عملی جهت صحبت کردن به زبان قرآن، عربی فصیح:

۱- کسانی که زبان عربی را آموخته‌اند، باید آن را در بین خود به کار ببرند و از صحبت کردن به زبان‌های دیگر خودداری کنند تا این زبان را در خانه‌ها، مؤسسات آموزشی و در میان خود، تمرین نمایند.

۲- در مؤسسات تعلیمات دینی نیز باید گفتگو میان دانشجویان و معلمان به زبان عربی باشد و در تمام فعالیت‌های‌شان، در سفرها، بازی‌ها و تفریحات نیز از آن استفاده کنند.

۳- استفاده‌ی مکرر از واژگان قرآن در هنگام گفتگو و زنده نگه‌داشتن آن‌ها در ارتباطات روزمره.

۴- باید در خانه به زبان عربی اهمیت دهند و تمام سعی و تلاش خود را بکنند تا زبان عربی، زبان رسمی در خانه‌ها و مؤسسات آموزشی باشد؛ و از همه مهم‌تر، به ثمر رساندن تلاش‌ها برای تبدیل آن به عنوان زبان رسمی در کشورهای‌شان.

۵- اهمیت دادن به معلمان زبان عربی و یادآوری اهمیت تلاش برای آموزش زبان عربی خارج از مؤسسات آموزشی‌شان به تمام اقشار مردم به آن‌ها. باید به آن‌ها این ایده را منتقل کرد که زبان قرآن و زبان بهترین انسان‌ها را بزرگ بشمارند. هرکس که پیامبر ﷺ را دوست دارد، باید زبان او را بیاموزد.

گفتگویی با یک فرد متدین ترک داشتم. به او گفتم: این مترجم افغان که با من است، پیامبر ﷺ را بیشتر از تو دوست دارد. برادر ترک عصبانی شد.

به او گفتم: عصبانی نشو! از من بپرس که دلیل تو چیست؟
او گفت: بفرمایید!

گفتم: این فرد شبها بیدار مانده و سختی کشیده تا زبان محبوبش را پیامورد تا سخنان او را بفهمد. شما برای فهم سخنان رسول الله ﷺ چه کرده‌اید؟ ذکرها، درودها و سرودهایی را تکرار می‌کنید که بیشتر آن‌ها را نمی‌فهمید!

گفت: راست می‌گویی. سپس به مصطفی آتاتورک حمله کرده و او را بد و بیراه گفت.

موارد مشابهی برایم در ترکیه و جاهای دیگر اتفاق افتاده است. پیوند دادن عموم مسلمانان به زبان قرآن که زبان سید انسان‌ها رسول الله صلوات ربی و سلامه علیه می‌باشد، بسیار مهم و ضروری است.

۶- برای کسانی که عربی را در مؤسسات علمی آموخته‌اند، دوره‌هایی برای تمرین گفتگو به عربی برگزار شود و این کاری آسان است؛ یک دوره‌ی یک ماهه که در آن افراد با هم زندگی نموده و به شدت از صحبت به زبان‌های دیگر منع گردیده و متخصصانی در این دوره حضور داشته باشند. این کار تجربه شده و موفق بوده است و ممکن است این دوره به دو یا سه ماه نیز برسد.

۷- آموزش زبان عربی به غیر عربی‌زبان‌ها که این آخرین مرحله است. در نهایت، مشخص می‌شود که هرکس پیامبر ما ﷺ را صادقانه دوست دارد، به یادگیری و آموزش زبان او توجه خواهد کرد. هرکس به قرآن به عنوان کتابی از سوی الله متعال ایمان دارد، آن را بزرگ خواهد شمرد، زیرا کلام الله تعالی بوده و به تدبُّر، فهم و عمل به آن اهمیت خواهد داد.

مبارزه با زبان عربی فصیح و تلاش استعمارگران برای تحمیل زبان خود بر ما، همه‌ی ما را شدیداً به این نکته فرا می‌خواند که اُمَّتِ اسلامی باید بر اساس مرزهای خود اداره شود. مؤمنان برادر یکدیگرند، الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰] ترجمه: «فقط مؤمنان برادران همدیگرند».

و تنها قرآن کریم است که این اُمَّت را هدایت می‌کند، زیرا کلام الله ﷻ بوده و قوانین و ضوابطی مهم و ارزشمند برای اهل اسلام تشریح نموده است.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین

